



گفت و گو با دکتر پیمان ولی پور

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر و عضو هیأت مدیره جامعه متخصصین نساجی ایران

پل ارتباطی مناسب برای دانشگاه

صنعت و سیاست‌گذاری بخش دولتی

- ◀ در سیاست‌های جامعه هرگز از اهداف انجمن غافل نشده ایم و تمام مولفه‌های هدف را به پیش برده ایم.
- ◀ جامعه متخصصین تصمیم دارد با اتخاذ تدابیر و راهکارهای موثر، خلأ چشم انداز در صنایع نساجی را رفع نماید.
- ◀ متخصصین به دنبال افزایش سطح قدرت جامعه در تصمیم‌گیری دولت و بخش خصوصی در این صنعت هستند.

اشاره:

دکتر ولی پور که چهره‌ای شناخته شده در مباحث علمی و تخصصی نساجی کشور محسوب می‌شود؛ اعتقاد دارد، متخصصین به دنبال افزایش سطح قدرت جامعه در تصمیم‌گیری دولت و بخش خصوصی در این صنعت هستند و راه‌هایی که بتوان با کمک اعضا، اهمیت اشتغال‌زایی در صنعت نساجی (که دارای بیشترین ارزش افزوده در مقایسه با سایر صنایع کشور می‌باشد) را افزایش داد. وی ضمن اشاره به برگزاری موفقیت آمیز همایش‌های علمی و برپایی جشن‌ها و یادمان‌های بزرگان نساجی توسط جامعه، آمادگی این تشکر را جهت پیگیری و تنظیم سند چشم‌انداز صنعت نساجی اعلام می‌نماید.

انجمن صنایع نساجی ایران و دانشکده‌های نساجی کشور انجام شده و هم‌اکنون در حال پیگیری است. در این راستا جامعه متخصصین تصمیم دارد با اتخاذ تدابیر و راهکارهای موثر، خلأ چشم‌انداز در صنایع نساجی را رفع نماید؛ همان‌طور که می‌دانید تنظیم سند ملی چشم‌انداز این صنعت، یک فعالیت بسیار فنی و تخصصی محسوب می‌شود که نیازمند همکاری و مساعدت دولت، تشکل‌ها، نهادها و دانشکده‌های مرتبط است. فرصت مناسبی است تا از تریبون ماهنامه نساجی امروز، آمادگی جامعه متخصصین نساجی ایران را جهت پیگیری و تنظیم سند چشم‌انداز صنعت نساجی اعلام نمایم.

جامعه در زمینه شناسایی و افزایش تعداد اعضا برنامه‌ها و تدابیر خاصی دارد؟ اصولاً عضویت جدید به چه صورت است؟ آیا این نیاز توسط متخصصین به وجود می‌آید؟

با توجه به هجوم‌های منفی که همیشه مقابل این

نشده ایم و تمام مولفه‌های هدف را به پیش برده ایم اما سیاست‌های دولت و توان اقتصادی در برخی از زمینه‌ها، حرکت جامعه را به سوی چشم‌انداز، آهسته و کند نموده است.

به اعتقاد من، با توسعه فعالیت‌های جامعه متخصصین نساجی برای شرکت در پروژه‌های تغییر یا توسعه سیاست‌های کشور در صنعت نساجی، می‌توانیم اثر بخشی بیشتری را به عنوان یک نهاد تخصصی داشته باشیم.

با توجه به نیاز مبرم صنایع نساجی به تدوین برنامه‌های استراتژیک و در نظر گرفتن جایگاه صنعت نساجی در میان سایر صنایع کشور، به خصوص در استراتژی صنعتی ایران، جامعه چه اقداماتی در این زمینه صورت داده است و یا چه راهکارها و پیشنهاداتی بصورت مدون و مشخص ارائه داده است؟

مذاکرات متعددی با وزارت صنعت، معدن و تجارت،

جامعه به عنوان یکی از تشکل‌های صنعت نساجی کشور در تصمیم‌گیری‌های این صنعت تا چه میزان نقش دارد؟

توسعه به معنای حرکت از یک نقطه به نقطه مطلوب است. تعریف کامل و جامع توسعه نیز به این مفهوم است که اگر یک یا چند مولفه از فرآیند توسعه، متوقف یا دارای حرکت کند باشند؛ سایر مولفه‌هایی که دارای سرعت متعادل و یا بسیار سریع هستند؛ باید به عقب بازگردند و حرکت به سوی توسعه با تمامی مولفه‌ها به صورت هماهنگ انجام شود. این مثال در مورد صنعت نساجی کشور مصداق دارد. به این ترتیب که رشد تمام مولفه‌های صنعت نساجی در یک مسیر نبوده و اغلب در دوره‌های مختلف سیاسی و اقتصادی کشور با مشکلات جدی مواجه شده است؛ مثلاً در یک دوره جامعه متخصصین، به عنوان بازوی توانمند صنایع و تشکل‌های مربوط به نساجی شناخته می‌شد اما در یک دوره دیگر منتظر خدمت بوده است. البته ما در سیاست‌های جامعه هرگز از اهداف انجمن غافل



نساجی وجود دارد؟ متأسفانه تا چندین سال آینده تعداد فارغ‌التحصیلان نساجی به کمترین میزان خود خواهد رسید که از این تعداد، بخش قابل توجهی در مقطع کارشناسی ارشد، تغییر رشته می دهند و یا جذب کار در یک صنعت دیگر می شوند!

صنعت نساجی به عنوان یک صنعت اشتغال زا باید دارای یک سند چشم انداز ۵، ۱۰ و ۱۵ ساله شود. به نظر من صنعت نساجی باید به سه مولفه "صنعت منسوجات، بازرگانی منسوجات و هنر منسوجات" تقسیم شود که در این راستا فقدان پژوهشکده منسوجات در کشور بسیار ملموس است زیرا دانشگاه نمی توانند تمامی مشکلات علمی و پیاده سازی طرح‌های بنیادی را در کشور به سرانجام خوش برسانند. راه حل ستادی باید در کشور در این حیطه اتخاذ گردد. اکثر کالای مرغوب اروپا و آمریکا در هند ویتنام تایلند به خصوص ترکیه تولید می شود. برای تصاحب این بازار که به سادگی نیز برای این کشورها به دست آمده؛ برنامه ریزی یکساله و یا دوساله کافی

عملکرد و تصمیم گیری های نادرست مدیران دولتی در کارخانجات و سیستم های دولتی همچون گمرک و... بی تأثیر نبوده است.

اگرچه واردات منسوجات چینی به ایران در حجم بسیاری انجام می شود اما آیا داستان صنعت نساجی در همین مرحله به اتمام می رسد؟ آیا پژوهش هایی انجام گرفته تا بدانیم چند درصد مردم مصرف کننده محصولات چین، ترکیه و تولیدات داخل هستند؟ چند درصد مردم و مسئولین اطلاع دارند که بسیاری از منسوجات تولید کشور با عنوان و برند محصولات خارجی روانه بازار مصرف می شوند؟ متأسفانه ما نه تنها بازارهای خارجی را از دست داده ایم بلکه در آستانه از دست دادن کامل بازارهای داخلی هستیم. اگرچه انتظار راه اندازی وزارت منسوجات بسیار دور از ذهن به نظر می رسد اما این صنعت بدون بهره مندی از سند چشم انداز ۵، ۱۰ و ۱۵ ساله در مسیر صحیح قرار نخواهد گرفت و آینده روشنی نخواهد داشت.

واقعیت این است که در دنیای امروز، صنعت نساجی به ریسندگی، بافندگی، رنگرزی، چاپ و تکمیل محدود نمی شود بلکه در صنایعی مانند هوا فضا، راه و ترابری، کشاورزی، دکوراسیون خانگی، ورزش و ساخت سقف پوش ها و دیوار پوش ها و ... نقش اساسی و غیر قابل انکاری ایفا می نمایند اما متأسفانه برای توسعه و پیشرفت این موارد، فاقد برنامه ریزی های مدون و منطقی کوتاه مدت و بلندمدت هستیم. حتی هنوز در واردات اساسی ترین کالای صنعت نساجی یعنی پنبه و پشم با مشکلات بسیاری مواجه می شویم.

اقتصاد دانان معتقدند تا زمانی که امنیت سرمایه گذاری در یک کشور ایجاد نشود، سرمایه گذاران جهت حضور در بازارهای تولیدی آن کشور تمایلی از خود نشان نخواهند داد. در حال حاضر نیز به دلیل مشکلاتی که در روند تولید مانند نوسانات قیمت تمام شده و ... وجود دارد؛ سرمایه گذاران داخلی و خارجی ترجیح می دهند سرمایه خود را به صنایعی اختصاص دهند که کمترین میزان ریسک را داشته باشند.

نکته دیگر تربیت و تحصیل متخصصین نساجی در دانشگاه های کشور است. در سال های دور، صنعتگران نساجی، فرزندان خود را جهت تحصیل در رشته نساجی به دانشگاه صنعتی امیرکبیر می فرستادند اما در حال حاضر که تحصیل در مقاطع کاردانی و کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی بدون کنکور شده هیچ استقبالی از شرکت و ادامه تحصیل در این رشته، از سوی فرزندان صنعتگران نساجی و جویندگان کار در این صنعت به عمل نمی آید! طبق استانداردهای بین المللی، ۱۰ درصد کارکنان یک کارخانه نساجی باید متخصص باشند. این رقم در کارخانجات نساجی ایران چه میزان است؟ آیا امکان تولید با کیفیت و مستمر، بدون متخصص

صنعت ملی قرار دارد؛ اهداف جامعه به صورت کامل تحقق نیافته است. البته لازم به ذکر است که آمار عضویت متخصصین همیشه رو به افزایش است. بیشترین نیاز متخصصین اشتغال به کار و خدمات رفاهی است که جامعه در این زمینه فعالیت بسیار زیادی دارد. اما رسالت واقعی جامعه، نیاز سنجی اعضا برای فعالیت های بنیادی است و در مجموع این تشکل تخصصی، پل ارتباطی مناسبی برای دانشگاه، صنعت و سیاست گذاری بخش دولتی محسوب می شود.

در حال حاضر اقبال متخصصین و مدیران نساجی کشور نسبت به جامعه چگونه است؟

نگاه متخصصین نساجی به جامعه را باید متخصصین بیان کنند. ولی آنچه که تاکنون به جامعه اثبات شده این است که متخصصین به دنبال افزایش سطح قدرت جامعه در تصمیم گیری دولت و بخش خصوصی در این صنعت هستند. راه هایی که بتوان با کمک اعضا، اهمیت اشتغال زایی در صنعت نساجی (که دارای بیشترین ارزش افزوده در مقایسه با سایر صنایع کشور می باشد) را افزایش داد. جامعه متخصصین ایران تاکنون در همایش های علمی و برپایی جشن ها و یادمان های بزرگان نساجی به عنوان بازوی حمایتی عمل کرده که خوشبختانه موفق نیز بوده است. فکر می کنم جامعه متخصصین نساجی، تنها تشکلی در کشور است که جامعه دانشگاهی، اصنافی، دولت (در دو بخش صنعت و بازرگانی) و حتی نمایندگان مجلس با آن رابطه نزدیکی دارند و در تصمیم گیری با این جامعه مشورت هایی داشته اند؛ اما در حال حاضر به دلایلی، امکان جمع آوری تمام سلیقه های متخصصین و مدیران این صنعت و هدفمند کردن آن وجود ندارد. شاید در ادامه رشد جامعه متخصصین و تغییر سیاست های دولت نسبت به این صنعت ملی به نقطه مطلوب تری دست یابیم.

به اعتقاد شما وضعیت فعلی صنایع نساجی ایران چگونه است و از چه مشکلات و تنگناهایی رنج می برد؟ همچنین نقاط قوت و اتکای آن را در چه مواردی ارزیابی می کنید؟

این پرسش همیشه در بخش پایانی مصاحبه هر خبرنگار حرفه ای، غیر حرفه ای، تخصصی و غیر تخصصی مطرح می شود! جالب اینجا است که مردم عادی هم در مورد وضعیت نساجی به ابزار نظر می پردازند و با اطمینان کامل عنوان می کنند که صنعت نساجی یک صنعت ورشکسته، متوقف و بحران زده است. زیرا طی سال های اخیر در رسانه های جمعی به دفعات از نساجی به عنوان یک صنعت بحران زده یاد می شود و به این ترتیب اذهان مردم نسبت به این صنعت، منفی و سیاه شده است البته در شکل گیری این تصور منفی،

جامعه متخصصین نساجی، تنها تشکلی در کشور است که جامعه دانشگاهی، اصنافی، دولت (در دو بخش صنعت و بازرگانی) و حتی نمایندگان مجلس با آن رابطه نزدیکی دارند و در تصمیم گیری با این جامعه مشورت هایی داشته اند.

نیست بلکه عزم ملی در تمام زمینه های مهندسی کیفیت، استاندارد، گمرک، دارائی، انرژی و ... لازم است تا در این مقوله پیروز شویم.

تولید سرانه ملی مواد اولیه نساجی، نخ و پارچه بافته شده در کشور پس از انقلاب افزایش یافته اما نسبت به رشد ۱۰۰۰ درصدی کشورهای نامبرده، قابل قیاس نیست. حکمت بازار منسوجات همین است. تا بازار تقاضا نباشد تولید منسوجات نساجی در تمام زمینه ها معنی ندارد. در این جا پرسشی مطرح می شود آیا در صورت واردات انبوه رب گوجه فرنگی و سس مایونز آن هم بدون تعرفه و بسیار ارزانتر از تولیدات داخلی، آیا انگیزه و تمایلی در میان تولید کنندگان داخلی جهت ادامه تولید این محصولات باقی می ماند؟ در مجموع باید عنوان نمایم که صنعت تولید و تجارت در هر کشوری لازم و ملزوم همدیگر هستند و بدون در نظر گرفتن مواردی که مورد اشاره قرار گرفت؛ رشد و توسعه صنعتی به معنای خود کفا شدن غیرممکن است.